

رباعیات خیام در «سفینه تبریز»

سید علی میرافضلی

خلاصه الاشعار فراهم آورده است. به این دو مأخذ تا کنون در تحقیقات خیام‌شناسی توجهی نشده است. در دو رساله دیگر این مجموعه، یکی رساله عینة احمد غزالی و دیگر رساله گل و مُل ابوسعید ترمذی، دو فقره از رباعیات منسوب به خیام بدون ذکر نام گوینده مورد استناد قرار گرفته است که با توجه به اینکه هر دو این رسایل در قرن ششم نگاشته شده‌اند، به عنوان مأخذ کمکی، خیام‌پژوهان را در تعیین اصالت رباعیات خیام یاری می‌رساند.

□ رساله التنبیه

در سالهای میانی دهه سی شمسی، مجتبی مینوی از طرف دانشگاه تهران مأموریت یافت تا از نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ترکیه فیلم و عکس تهیه نماید. حاصل این کوشش فرهنگی، تهیه میکروفیلم تعداد زیادی از نسخه‌های قدیمی و بسیار نفیس کتابخانه‌های ترکیه بود که اغلب آنها فهرست هم نشده بودند. مینوی بخشی از این نسخه‌ها را طی سلسله مقالاتی با عنوان «از خزاین ترکیه» در مجله دانشکده ادبیات معرفی کرد (۱۳۳۹-۱۳۳۵ ش). یکی از این نسخه‌های ناشناخته، مجموعه رسایل ش ۱۹۹۳ کتابخانه اسعد افندی بود که جزو هشتم آن رساله‌ای است از امام فخر رازی (متوفی ۶۰۶ ق) با عنوان «التنبیه علی بعض الاسرار المودعة فی بعض سور القرآن العظیم». فخر رازی در این تفسیر خواسته رازهای نمان بعضی از سوره‌های قرآن را بگشاید. وی این رساله را در چهار فصل مرتب کرده و در هر فصل موضوعی را با توجه به یکی از سوره‌های قرآن مجید باز شکافته است. موضوع فصل نخست «الهیات» است که از تفسیر سوره توحید حاصل می‌شود. در فصل دوم، وی ضمن تفسیر سوره اعلی به موضوع «نبوت» پرداخته است. مسئله «معاد» در فصل سوم با توجه به سوره تین تبیین شده و فصل چهارم به تفسیر سوره عصر و ضبط اعمال صالحه اختصاص دارد.^۲

حاشیه:

۱) بنگرید: نصرالله پورجوادی، «عرفان اصیل ایرانی در سفینه تبریز»، نامه بهارستان، سال اول، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۳۷۹، ص ۵۹-۶۴؛ عبدالحسین حائری، «سفینه تبریز: کتابخانه‌ای بین الدفتین»، نامه بهارستان، سال دوم، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۳۸۰، ص ۴۱-۶۴

۲) فصل دوم رساله التنبیه با نام تفسیر سوره اعلی به ابن سینا و فصل چهارم آن با اختلافات جزئی به عنوان تفسیر سوره عصر به خواجه نصیرالدین طوسی هم منسوب است (نک. علی نقی منزوی، فهرست کتابهای اهدایی سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ۱۳۳۰، ج ۱، ص ۶۹-۷۰؛ عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۲۱۶). یحیی مهدوی تفسیر سوره اعلی را در بخش اول کتاب فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا جزو «آثار مسلم و آنچه نسبت آنها به شیخ محتمل است» آورده است (۱۳۳۳، ص ۶۶). با این حال، نام این اثر را در هیچ‌کدام از فهرستهای قدیمی آثار ابن سینا که جدول تطبیقی آن در پایان کتاب آمده است نمی‌یابیم (همانجا، ص ۳۱۲). ملاصدرا نیز بخشهای

جستجو برای شناسایی رباعیات خیام در منابع کهن، بیش از ۱۰۰ سال پیش و از زمانی که والتین ژوکوفسکی ایران‌شناس روس در سال ۱۸۹۷ میلادی مقاله «عمر خیام و رباعیات سرگردان» را در یادنامه بارن ویکتور روزن منتشر ساخت آغاز شد و تا امروز کوشش محققان برای یافتن مأخذ معتبر که به کار شناسایی رباعیات نسبتاً اصیل خیام رونقی بازآورد کمابیش ادامه دارد. کشف و شناسایی منابع تازه و ایجاد طراوت و تحوّل در عرصه خیام‌پژوهی اگرچه امیدی دلنواز و آرزویی شیرین است، ولی دیرزمانی است که پژوهشگران به منابع موجود بسنده کرده‌اند. رحیم رضازاده ملک در کتاب ارزنده ترانه‌های خیام که در سال ۱۳۷۹ انتشار یافت، فهرست به‌نسب جامعی از تحقیقاتی که در سده گذشته در مورد رباعیات خیام صورت گرفته به‌دست داده است. آنچه در این کتاب بر مبنای منابع مربوط به نیمه دوم قرن ششم تا اواسط قرن هشتم هجری گرد آمده، مجموعاً ۹۵ رباعی است. در این فهرست البته بعضی منابع مهم از قلم افتاده است و جای بعضی منابع که اخیراً پیدا شده خالی است. یکی از این منابع مهم، مجموعه خطی بسیار نفیس کتابخانه مجلس موسوم به سفینه تبریز است که در سال ۱۳۷۴ توسط آن کتابخانه خریداری شد و اخیراً به همت مرکز نشر دانشگاهی به‌صورت عکسی به چاپ رسیده است.

این دستنویس که به شماره ۱۴۵۹۰ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود، ۳۷۲ برگ دارد و حاوی حدود ۲۰۰ کتاب و رساله و مقدار زیادی از اشعار و اقوال شعرا و نویسندگان مختلف است که به همت یکی از فضلالی تبریز به نام ابوالمجد محمد بن مسعود بن مظفر بن محمد بن عبدالمجید تبریزی عمدتاً در سالهای ۷۲۱ تا ۷۲۳ هجری گردآوری و کتابت شده است. در مورد ارزش و اهمیت این مجموعه و محتوا و مندرجات آن دکتر نصرالله پورجوادی و عبدالحسین حائری در مقالات جداگانه سخن گفته‌اند.^۱ قصد ما در اینجا بررسی رباعیات خیام موجود در این مجموعه است.

یکی از رسایل سفینه تبریز که در آن به یکی از رباعیات خیام اشاره شده، رساله التنبیه فخر رازی است که در نیمه دوم قرن ششم نگاشته شده و تا امروز قدیمترین مأخذ رباعیات خیام به شمار می‌رود. با اینکه این مأخذ حدود چهل سال پیش معرفی شده است، ولی نسخه‌ای که ابوالمجد تبریزی در سال ۷۲۱ هجری کتابت کرده از لحاظ قدمت بسیار در خور توجه است.

دو فقره از رباعیات خیام در امالی امین‌الدین حاج بله نقل شده و سه فقره دیگر هم در مجموعه رباعیاتی که ابوالمجد تبریزی به اسم

فخر رازی در فصل سوم رساله ضمن تقریر امر معاد گوید:
«و تمّ ههنا حصل سؤال مشکل، و هو ان يقال: خالق هذه الابدان هل له عناية بها او ليس له عناية بها؟ فان حصل له بتدبيرها عناية، فكيف ابطالها و ردّها الى اسفل السافلين؟ و ان قلنا ليس له عناية باصلاحها، فكيف خلقها و كيف اعتبر جميع انواع العناية في تخليقها؟ و نظم عمر الخيام هذا المعنى بالفارسية، فقال:

دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست
باز از چه سبب فکندش اندر کم و کاست
گر خوب نیامد این بنا عیب کراست
ور خوب آمد، خرابی از بهر چراست

و اعلم ان هذه الاشكال يتبادر الي افهام اكثر العقلاء.^۳
این رساله تا الآن کهنترین مأخذی است که در آن شعری فارسی به اسم خیام نقل شده است. تاریخ نگارش رساله معلوم نیست، اما با توجه به سال درگذشت فخر رازی، کمتر از یک قرن با زمان حیات شاعر فاصله دارد. از این رساله نسخه‌های متعددی در دست است. در سفینه تبریز سه نسخه از آن آمده که یک نسخه آن که در روز شنبه ۴ ربیع الاول ۷۲۳ کتابت شده کامل است (ص ۳۵۱-۳۴۸) و دو نسخه دیگر بخشهای ناقصی از آن به‌شمار می‌روند و تاریخ کتابت آنها ۲۰ و ۲۱ صفر ۷۲۳ است (ص ۳۰۴-۳۰۲). رساله‌ی التنبیه را محمود فاضل بر اساس سه نسخه تصحیح و در سال ۱۳۶۹ منتشر کرده است.

□ خلاصه اشعار

یکی از بخشهای قابل توجه سفینه تبریز، منتخبات رباعیات فارسی است که کاتب سفینه یعنی ابوالمجد محمد تبریزی فراهم کرده است (ص ۶۱۲-۵۹۳). وی روز شنبه آخر ماه جمادی‌الاول سال ۷۲۱ هجری از کتابت این بخش فراغت یافته و آن را خلاصه اشعار فی الرباعیات نامیده است. در این خلاصه، حدود ۵۰۰ رباعی از شاعران قدیم در پنجاه باب گرد آمده و سه رباعی هم به اسم خیام در ابواب مختلف آن نقل شده است. در دیباچه این گزیده آمده است:

«چنین گوید جامع این دفتر العبد الاصغر محمد بن مسعود بن المظفر... از انواع کلام منظوم رغبت بیشتر مردمان از عام و خاص و ضعیف و شریف به قسم رباعی می‌باشد. چه اختلاف آوزان او نزد طبع سلیم بسیار ظاهر می‌شود و اگر چنانکه کسی عروض بحث نکرده باشد متصور او آن بود که رباعی را یک وزن بیش نیست. و نیز هر معنی غریب و بدیع که در غزلی باشد در رباعی نیک آن معنی می‌توان گفتن. بنا بر این مقدمات، گرد سواد و بیاض خود برآمد و پانصد رباعی در هر باب، آنچه به معنی بهتر بود و به عبارت خوشتر، از گفتار ارباب شوق و اصحاب ذوق بر سبیل اختصار و انتخاب جمع کردم و آن را بر پنجاه باب مرتب گردانیدم و نامش خلاصه اشعار نهادم» (ص ۵۹۳).

ابوالمجد تبریزی در گزینش و گردآوری و دسته‌بندی رباعیات، به کتاب نزهة المجالس جمال خلیل شروانی (تألیف در نیمه قرن هفتم هجری) اتکا داشته و این موضوع هم از فهرست ابواب پیداست و هم از رباعیات انتخابی. به طوری که تمامی ابواب خلاصه اشعار با

ابواب و نمطهای نزهة المجالس مطابق است و بیش از نیمی از رباعیات انتخابی او در نزهة المجالس هم یافت می‌شود. وی به امالی استادش امین‌الدین حاجی بله نیز نظر داشته و تعدادی از رباعیات خلاصه اشعار را از آنجا گرفته است که در مورد آن در بخش بعد سخن خواهیم گفت. با این حال، وی رباعیاتی در خلاصه اشعار آورده که نه در نزهة المجالس است و نه در امالی امین‌الدین. اولین رباعی خیام در باب سیم خلاصه اشعار که در «نصیحت» است آمده است:

عمر خیام:

هر ذره که در خاک زمینی بوده‌ست

پیش از من و تو تاج و نگینی بوده‌ست

گرد از رخ نازنین به آزرم فشان

کآن هم رخ خوب نازنینی بوده‌ست^۴

رباعی دوم در باب چهارم و در «حکمت و موعظت» است:

عمر خیام:

ای خواجه بدان کین فلک بیهوده‌دو

همچون من و تو دید بسی کهنه و نو

آغاز و سرانجام جهان را چه کنی؟

از عمر نصیب خویش بردار و برو^۵

و رباعی سوم در باب چهل و هفتم در «خمریات» است:

عمر خیام:

ساقی! برخیز و نام بر ننگ بزن

قزابه زهد و توبه بر سنگ بزن

مطرب! تو طیب راست‌قولی، پیش آی

قاروره می‌گیر و رگ چنگ بزن^۶

حاشیه:

→

عمده رساله‌ی التنبیه را با تغییرات اندک در تفسیر خود گنجانده است (محمود فاضل، «رساله‌ی التنبیه...» فخر رازی، سیمرخ، سال اول، شماره ۶، تیر ۱۳۶۹، ص ۴۸-۴۹).

۳) مجتبی مینوی، «از خزاین ترکیه»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره ۲، دی ۱۳۳۵، ص ۷۱-۷۲؛ محمود فاضل، همانجا، ص ۵۹-۶۰.

۴) سفینه تبریز، ص ۵۹۴. این رباعی در نزهة المجالس (جمال خلیل شروانی، به‌اهتمام محمد امین ریاحی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۴) و تاریخ گزیده (حمد مستوفی، به‌اهتمام عبدالحمین نوایی، چاپ دوم: ۱۳۶۲، ص ۷۲۸) به اسم خیام آمده است.

۵) سفینه تبریز، ص ۵۹۵. این رباعی در مجموعه اشعار و مراسلات شماره ۴۸۷ کتابخانه لالا اسماعیل که در سال ۷۴۲ هجری کتابت شده است، به اسم خیام آمده است (رک. سید علی میرافضلی، «رباعیات خیام در شش جنگ کهن فارسی»، معارف، سال دهم، شماره ۳-۲، مرداد - اسفند ۱۳۷۲، ص ۱۳).

۶) سفینه تبریز، ص ۶۱۱. این رباعی در نزهة المجالس به اسم شمس الیاس میدانی است (ص ۱۵۷).

ابوالمجد تبریزی در دنباله رباعی سوم، این دو رباعی را نیز بدون ذکر نام گوینده آورده است:

آخر

وقت سحر است خبزی ای مایه ناز
نرمک نرمک باده ده و رود نواز
کآنان که بجایند نیابند بسی
و آنها که شدند کس نمی آید باز^۷

آخر

بردار پیاله و سبوی دلجوی
فارغ می نوش بر لب سبزه و جوی
بس شخص عزیز را که دهر بدخوی
صد بار پیاله کرد و صد بار سبوی^۸
از این پنج رباعی، فقط رباعی دوم در نزهة المجالس نیست.

□ امالی امین الدین

از همان نخستین قرون تاریخ اسلام، برگزاری مجالس املائی احادیث و روایات، و احکام و اقوال مرتب با آن، در بین محدثین و فقهای بلاد مختلف اسلامی رونقی شگفت یافت و پس از مدتی، اهل کلام و متصوفه و وعاظ و مذکران نیز به برگزاری چنین مجالسی روی آوردند. در این گونه مجالس عوام و خواص هر دو شرکت می کردند و گوینده به اقتضای حال هر دو طایفه مطالبی ادبی و عرفانی و حکایات و نوادر درباره زهد و ادب و مکارم اخلاق می آورد. گاهی یک یا چند شاگرد، گفتار استاد خود را می نوشتند که مجموعه این افادات و تقریرات «امالی» نامیده می شد. «از مشهورترین کتابهای امالی، امالی قالی (۳۵۶ ق) است. این کتاب مجموعه ای عظیم از شرح آیات قرآن کریم و احادیث نبوی، اخبار و لطایف ادبی، گزیده های شعری و امثال و حکم همراه با شرح و توضیح لغوی است که مؤلف روزهای پنجشنبه هر هفته در جامع قرطبه از حفظ بر شاگردانش املا می کرده است.» مجالس سبعة مولوی و چهل مجلس علاءالدوله سمنانی حاصل چنین مجالسی است.^۹

از جمله امالی مکتوب در زبان فارسی، امالی شیخ امین الدین حاج بله تبریزی است که ابوالمجد محمد بن مسعود - گردآورنده سفینه تبریز - در مجالس امین الدین شنیده و تحریر کرده است (ص ۵۲۸-۵۱۹). وی عنوان بعضی از افادات استاد خود را «فوائد» گذاشته و آنها را «لطائف اللثالی» نیز نامیده است. تاریخ کتابت امالی امین الدین یکشنبه دوم ذی الحجه ۷۲۲ هجری است. این امالی مشحون از اقوال و اشعار و حکایات و نکات و اشارات متعدد ادبی و تاریخی و عرفانی و فلهویات و مناظرات و محاضرات دانشمندان و شاعران ایرانی و عربی است.

شیخ امین الدین حاج بله از معارف تبریز در قرن هفتم و هشتم هجری بوده است که تا پیش از پیدایش سفینه تبریز اطلاعات مجمل و پراکنده ای از احوال و آثار او در دست بود. ابوالمجد تبریزی گردآورنده و کاتب سفینه تبریز که خود را شاگرد امین الدین نامیده،

سیزده رساله فارسی و عربی او را در این نسخه گرانقدر آورده که نام بعضی از آنها چنین است: هدایه، تذکره، اوراد، زبده، امالی، منهاج ذوی الحساب، رساله در اوزان و عروض پارسیان، مناظره ناز و تراب و رساله علم و عقل. از این رسایل متنوع، میزان تبخر و اشرف امین الدین در علوم فقه و اصول و کلام و فلسفه و ادب و عرفان دانسته می شود. ابوالمجد تبریزی یک رساله هم از فرزند این شخص یعنی شرف الدین عثمان بن حاج بله به نام طریق الآخرة درج کرده است. شرف الدین در این رساله تاریخ درگذشت پدر خود را ۱۷ رمضان ۷۲۰ در دمشق ذکر می کند.

در امالی امین الدین شعرهای بسیاری نقل شده که بیشتر آنها در قالب رباعی است. اغلب رباعیاتی که در این بخش آمده در نزهة المجالس جمال خلیل شروانی و خلاصه الاشعار ابوالمجد تبریزی هم دیده می شود. به درستی نمی دانیم که امین الدین حاج بله در مجالس شعرها را به نام گویندگان می خوانده یا اینکه نام گویندگان اشعار را ابوالمجد تبریزی یافته و در امالی استادش نوشته است؟

به هر روی، در امالی امین الدین دو رباعی به نام خیام دیده می شود که رباعی نخستین آن در هیچ مأخذ دیگری به خیام نیامده و رباعی دوم آن با خلاصه الاشعار ابوالمجد تبریزی مشترک است:

عمر خیام:

نه در پی هر عشوه دهی شاید رفت
نه نیز به خود هیچ رهی شاید رفت
صد ره پیش است پیش هر رهبر و نیست
راهی که بدان ره به دهی شاید رفت
وله:

ای خواجه بدان کین فلک بیهده دو

همچون من و تو دید بسی کهنه و نو

آغاز و سرانجام جهان را چه کنی

از عمر نصیب خویش بردار و برو

در دنباله این دو رباعی، بلافاصله یک رباعی منسوب به خیام نیز بی هیچ عنوان مشخص کننده ای نقل شده است:

آن مایه ز دنیا که خوری یا پوشی

معدوری اگر در طلبش می کوشی

حاشیه:

۷) در نزهة المجالس بدون ذکر نام گوینده است (ص ۶۰۴) و در مونی الاحرار فی دقائق الاشعار که توسط محمد بن بدر جاجرمی در سال ۷۴۱ هجری تدوین شده، به نام خیام است (به اهتمام میرصالح طیبی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۱۴۴).

۸) در نزهة المجالس (ص ۶۰۱) در دنباله رباعیات خیام آمده و در جنگ اشعار شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس (ص ۵۱۵) که در سده هشتم هجری گردآمده به اسم خیام است.

۹) در مورد امالی و سابقه و سیر تاریخی آن به مقاله ذیل رجوع شود: فرامرز حاج منوچهری و عنایت فاتحی نژاد، «امالی»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۳۵-۱۳۲

باقی همه رایگان نیرزد هش دار

تا عمر گرانمایه بدان نفروشی^{۱۰}

□ مناظره گُل و مُل

یکی از اولین رساله‌های مستقل مناظره‌ای که در زبان فارسی تألیف یافته، رساله مناظره الورد و بنت الکرّم ابوسعید ترمذی است که آن را برای قتلغ بلکا بیغو اسفہسالار ابوالمحمّد محمد بن علی نگاشته و تاریخ تحریر آن را در پایان رساله طی بیتی به سال «تفه» که معادل ۵۸۵ هجری است رقم زده است. این رساله را نخستین بار حسن عاطفی معرفی و بر اساس نسخه‌ای قدیمی که در اوایل قرن هفتم هجری کتابت شده تصحیح و در سال ۱۳۴۷ منتشر کرد. سال بعد ایرج افشار عین رساله را در مجله فرهنگ ایران زمین تجدید چاپ کرد و در مقدمه آن یادآور شد که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های سنا و مجلس و مجتبی مینوی و دانشگاه استانبول موجود است.^{۱۵} نسخه‌ای از این رساله را نیز ابوالمجد تبریزی در روز دوشنبه ۱۱ جمادی الاولی سال ۷۲۲ در سفینه تبریز کتابت و نام مؤلف را ابوسعید ترمذی قید کرده است (ص ۲۳۹-۲۳۴).

در رساله مناظره گُل و مُل یکی از رباعیات منسوب به خیام نقل شده که از لحاظ قدمت رساله بسیار در خور توجه است.

«و حدّ شراب خوردن میان مستی و هشیاری است و این همه فواید تا به آنجا حاصل آید و در این معنی بزرگی خرده‌ای در میان نهاده است:

تا هشیارم در طریم نقصان است

چون مست شدم بر خردم تاوان است

حالی است میان مستی و هشیاری

من بنده آنکه زندگانی آن است»^{۱۶}

حاشیه:

۱۰) سفینه تبریز، ص ۵۲۳. رباعی آخر در مجموعه نظم و نثر شماره ۶۳۳ کتابخانه مجلس که در سال ۷۵۰ هجری کتابت شده (برگ ۸۲ پ) به نام خیام است.

۱۱) احمد مجاهد، مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، چاپ دوم: ۱۳۷۰، ص ۱۸۵-۱۷۷.

۱۲) سفینه تبریز، ص ۶۸۹؛ مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، ص ۲۰۴؛ تازیانه سلوک (مکتوب احمد غزالی به عین القضاة همدانی)، به تصحیح نصرالله تقوی، ۱۳۱۹، ص ۱۹.

۱۳) محسن فرزانه، نقد و بررسی رباعیهای خیام، ۱۳۵۶، ص ۸۳-۷۶.

۱۴) درباره رباعیات عمر خیام، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ص ۵۴-۵۲. دانشفر در همین جا مدعی شده که رباعی دیگری از خیام در کتاب سوانح احمد غزالی درج شده و منظورش رباعی «آباد خرابات ز می خوردن ماست...» بوده است. اما توجه نداشته که این رباعی فقط در یکی از نسخه‌های سوانح که در سال ۸۹۷ کتابت شده موجود است و نسخه‌های قدیمی آن را ندارند.

۱۵) ابوسعید ترمذی، «مناظره الورد و بنت الکرّم»، به کوشش حسن عاطفی، نید کهن در ساغر سخن، کاشان، ۱۳۴۷، ص ۶۸-۱۰۲؛ همان، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۸، ج ۱۶، ص ۲۲۰-۱۹۱.

۱۶) این رباعی را محمد عوفی در جوامع الحکایات و لواع الزوایات بی ذکر نام گوینده نقل کرده (با تصحیح امیر بانو مصفاً و مظاهر مصفا، ۱۳۵۳، جزء دوم از قسم سوم، ص ۶۲۲) که مؤید قدمت رباعی است.

□ رساله عینیه

مقارن سال ۵۱۵ هجری، شیخ احمد غزالی (۵۲۰ ق) صوفی معروف به همدان سفر کرد و در آنجا به وعظ و تذکیر پرداخت. در اقامت ۲۰ روزه شیخ احمد در همدان، او را با عین القضاة همدانی - که جوانی بود ۲۰ ساله - دیدار و صحبت افتاد و دم گرم احمد در این جوان شوریده مستعد در گرفت. احمد غزالی از همدان به قزوین رفت و نامه‌هایی که از سال ۵۱۵ تا ۵۲۰ هجری بین او و عین القضاة رد و بدل می‌شد، بیوند آنها را استوار می‌داشت. امروزه هشت نامه از نامه‌هایی که غزالی به عین القضاة نوشته در دست است.

در میان آثار فارسی احمد غزالی، رساله‌ای هست موسوم به عینیه که در اصل مکتوبی بوده است خطاب به عین القضاة همدانی، و آن را در منابع عرفانی و دستنوشته‌های رساله به عناوین متعددی همچون تازیانه سلوک، تذکره، رازنامه، سلامیه، صلوات شریفه، رساله عرفانی، رساله فی الموعظه، مکاتیب فارسی، رساله میمونه و رساله عینیه نامیده‌اند. رساله عینیه از سال ۱۳۰۶ شمسی تا کنون چهار بار به چاپ رسیده و قدیمترین دستنویس آن نسخه شماره ۲۹۱۰ کتابخانه ایاصوفیای ترکیه است که در سال ۷۰۶ هجری کتابت شده و نیمی از متن جایی را در بر دارد.^{۱۱}

دستنویس کهن دیگر، نسخه‌ای است که ابوالمجد محمد تبریزی روز چهارشنبه یازدهم محرم سال ۷۲۳ هجری با عنوان «تذکره» در سفینه تبریز استنساخ کرده است (ص ۶۹۱-۶۸۷). در این رساله یکی از رباعیات معروف منسوب به خیام درج شده، بی آنکه به نام گوینده‌اش اشارتی رود.

آرند یکی و دیگری برابند

بر هیچ کس این راز همی نگشایند

ما را ز قضا جز این قدر ننمایند

پیمانه تویی، باد به تو پیمایند^{۱۲}

فرزانه بخشی از کتاب نقد و بررسی رباعیهای خیام را به این رساله اختصاص داده و آن را قدیمترین مأخذ رباعیات خیام شمرده است. وی یکی از عبارات این رساله را که می‌گوید «عمر در بتخانه مقبول و عبدالله آبی در مسجد مخدول» محملی دانسته بر اینکه منظور نویسنده از عمر همان عمر خیام بوده و رباعی که حدود دو صفحه بعد از آن آمده بدان مرجوع است.^{۱۳}

پیش از فرزانه، حسن دانشفر در سال ۱۳۵۲ در کتاب درباره رباعیات عمر خیام به وجود این رباعی در رساله عینیه اشاره کرده و یادآور شده که این مأخذ «تا کنون از نظر محققان پوشیده مانده است».^{۱۴}

گفتنی است رباعی مورد بحث در قدیمترین نسخه رساله نیست و علت آن افتادگی و نقصان آن دستنویس قدیمی است. ولی در نسخه مضبوط در سفینه تبریز وجود دارد.